



صنایع غذایی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از این تصمیمات تأثیر می پذیرند.

وقتی سیاستگذار فرمول خوراک یا قیمت گذاری را ناگهانی تغییر می دهد، شوک آن در کل زنجیره ارزش پخش می شود و نتیجه آن افزایش نااطمینانی، توقف سرمایه گذاری های جدید و احتیاط مضاعف بازار نسبت به کل این گروه هاست.

■ تفاوت «اصلاح سیاست» با «شوک سیاستی» چیست؟

اینجا باید میان دو مفهوم کلیدی تمایز قائل شد. اصلاح سیاست به معنای حرکت تدریجی، مبتنی بر داده و دارای نقشه راه است، یعنی اصلاحی که از پیش اعلام می شود، دوره گذار دارد و به بنگاه ها امکان تطبیق می دهد. در مقابل، شوک سیاستی تصمیمی ناگهانی و واکنشی است؛ تصمیمی که شاید در کوتاه مدت درآمدی برای دولت ایجاد کند، اما در بلندمدت هزینه سرمایه را افزایش می دهد، ارزش بازار را تخریب می کند و انگیزه سرمایه گذاری را از بین می برد.

■ تجربه بازار سرمایه در دوره های ثبات چه چیزی را نشان می دهد؟

تجربه بازار سرمایه ایران بارها این تفاوت را تأیید کرده است. در دوره هایی که سیاست خوراک با ثبات نسبی همراه بوده حتی در شرایط تحریم و محدودیت های صادراتی، پتروشیمی ها توانسته اند سودآوری پایدار ایجاد کنند و بازار نیز با اقبال به این گروه پاسخ داده است.

اما هر زمان تصمیمات متناقض یا ناگهانی اتخاذ شده، اولین واکنش بازار افزایش تخفیف ارزش گذاری برای کل گروه بوده است؛ تخفیفی که نه از ضعف صنعت، بلکه از ریسک سیاستی ناشی می شود.

■ چرا ریسک سیاستی پتروشیمی به کل بازار سرایت می کند؟

وقتی بازار می بیند حتی بزرگ ترین و شفاف ترین صنایع بورسی نیز در معرض تصمیمات غیرقابل پیش بینی هستند، طبیعی است که نسبت به سایر صنایع هم محتاط تر شود. از این منظر، پتروشیمی ها به آینه اعتماد بازار به سیاستگذاری تبدیل شده اند. هر میزان ثبات در این صنعت، سریعاً در کل بازار بازتاب پیدا می کند و هر میزان بی ثباتی، نااطمینانی را تعمیم می دهد.

■ بی ثباتی سیاست ها چه اثری بر توسعه زنجیره ارزش پتروشیمی دارد؟

از زاویه توسعه ای، بی ثباتی سیاست ها مانع شکل گیری سرمایه گذاری های جدید در زنجیره پتروشیمی است. پروژه های

پایین دستی که نیازمند سرمایه گذاری های سنگین و افق بازگشت بلندمدت هستند، بدون ثبات در نرخ خوراک، سیاست صادرات و قیمت گذاری در عمل توجیه پذیر نیستند.

نتیجه این وضعیت توقف توسعه زنجیره ارزش، کاهش عمق صنعتی و تداوم خام فروشی نسبی است؛ مسیری که دقیقاً در تضاد با اهداف کلان اقتصادی کشور قرار دارد.

■ آیا بازار سرمایه اساساً با اصلاح سیاست ها مخالف است؟

برخلاف برخی برداشت ها، بازار سرمایه مخالف اصلاح نیست؛ اتفاقاً از اصلاح سیاست ها استقبال می کند، به شرط آنکه عقلانی، تدریجی و قابل پیش بینی باشند. آنچه بازار را نگران می کند، نه تغییر سیاست، بلکه تغییر ناگهانی و غیرقابل پیش بینی آن است. بازاری که بتواند آینده سیاست را حداقل در چهارچوبی کلی پیش بینی کند، حاضر است ریسک را بپذیرد و سرمایه گذاری کند.

■ نقش سیاستگذار در تقویت اعتماد بازار سرمایه چیست؟

اگر سیاستگذار به دنبال تقویت نقش بازار سرمایه در تأمین مالی اقتصاد است، باید بپذیرد که ثبات تصمیم گیری خود یک سیاست کلیدی است. ثبات به معنای انجماد نیست، بلکه به معنای داشتن قاعده، فرمول و افق مشخص است.

اعلام عمومی چهارچوب ها، گفت و گو با ذی نفعان، تعیین دوره های گذار و پرهیز از تصمیمات دفعی، امتیاز دادن به صنعت نیست، بلکه سرمایه گذاری بر اعتماد بازار است.

■ جمع بندی شما از وضعیت فعلی صنعت پتروشیمی چیست؟

نقد امروز بازار سرمایه متوجه صنعت پتروشیمی نیست؛ متوجه نحوه سیاستگذاری پیرامون آن است. پتروشیمی ها از نظر مزیت نسبی، فناوری و بازار فروش همچنان یکی از قوی ترین صنایع کشور هستند.

آنچه این ظرفیت را محدود می کند، بی ثباتی در تصمیمات کلیدی است. بازار بارها نشان داده اصلاح را می پذیرد، اما شوک را نه. اگر ثبات تصمیم گیری به عنوان یک اصل پذیرفته شود، صنعت پتروشیمی و گروه های متأثر از آن می توانند بار دیگر نقش موتور محرک بازار سرمایه را در جهت نقشی به نفع بازار، صنعت و اقتصاد کلان کشور ایفا کنند. ▀



هر تصمیمی که درباره نرخ خوراک، فرمول قیمت گذاری، سیاست صادراتی یا مداخلات تنظیم گرانه در این صنعت اتخاذ می شود، اثر آن محدود به چند نماد بزرگ نیست و به صورت مستقیم و غیرمستقیم به کل بازار سرمایه سرایت می کند